

بررسی تأثیر ایجاد منطقه آزاد ارس بر رفاه اجتماعی جامعه محلی از منظر ساکنان

علی شکوری^{۱*} و حسن امید^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

چکیده:

ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی در مناطق خاص کشور یکی از طرح‌ها و اقداماتی است که غالباً از سوی کشورها برای توسعه و رفاه اجتماعی مردم منطقه انجام می‌شود. در ایران نیز در دهه‌های اخیر این طرح‌ها در مناطق مختلف کشور به اجرا در آمده که ایجاد منطقه آزاد ارس یکی از این مناطق است. هرچند دیدگاه‌های پرمناقشه‌ای در خصوص تأثیرات این مناطق ارائه شده که غالباً از بی‌تأثیری این طرح‌ها حکایت دارد، در این زمینه به ویژه در مورد منطقه مزبور در مورد شاخص‌های رفاهی و از منظر ساکنان محلی کمتر کار تحقیقی انجام شده است. از این رو این تحقیق با الهام از دیدگاه فرگوسن، که معتقد است طرح‌های توسعه‌ای خواه ناخواه تغییراتی را سبب می‌شوند که نه کاملاً مثبت‌اند نه منفی، و با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای به مطالعه پیامدهای منطقه آزاد ارس بر ابعاد رفاهی در این منطقه پرداخته است. داده‌های این پژوهش از ۴۷۰ نمونه و بر اساس پیمایش و با استفاده از فنونی چون پرسشنامه و مشاهده گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد هرچند منطقه آزاد ارس نیز به مانند سایر مناطق آزاد ایران نتوانسته در کل به آن اهداف خود نایل آید، ولی از دیدگاه ساکنان محلی تأثیرات آن در حوزه‌های مختلف رفاهی یکسان نبوده است. برای مثال در زمینه‌هایی چون بهداشت و درمان، آموزش، وضعیت اشتغال تأثیرات مثبت جزئی داشته است، در زمینه‌هایی مانند وضعیت تأمین اجتماعی و نیاز به سازمان‌های حمایتی و غیره تقریباً تأثیرات خنثی بوده ولی در مواردی مانند وضعیت مسکن و هزینه‌های مسکن تأثیرات خیلی منفی داشته است. همین‌طور، اغلب موجب شکل‌گیری مهاجرت معکوس و افزایش غریبه‌ها در منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس شده است.

کلیدواژه‌ها: توسعه منطقه‌ای، رفاه، مناطق آزاد، ارس.

۱. دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). shakoori@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران. hassanomidi@ut.ac.ir

مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

مقدمه و بیان مسئله

طرح ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی از اقدامات و طرح‌های توسعه بسیاری از کشورها در خصوص مناطق عقب‌مانده است که از اواخر قرن ۱۹ در دستور کار دولت‌ها قرار داشت. ابتدا این طرح‌ها از سوی کشورهای توسعه‌یافته صنعتی به مرحله اجرا درآمد برای مثال، آلمان طرح توسعه هامبورگ را در سال ۱۸۸۸ با هدف جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال فناوری و ایجاد اشتغال، گسترش تولید، صادرات و... به اجرا گذاشت. سپس ایرلند در سال ۱۹۶۰ اقدام به تأسیس اولین منطقه آزاد تجاری-صنعتی در مفهوم امروزی آن به منظور توسعه همه‌جانبه منطقه کرد که از این طرح به عنوان پدیده ایرلندی یاد می‌شود. با توجه به تجربه موفق این کشورها در توسعه مناطق یادشده، سایر کشورها از این الگو در توسعه مناطق خاص خود بهره جستند. کپنهاگ دانمارک (۱۸۹۴)، دانزیک لهستان (۱۸۹۹)، نیویورک آمریکا، ماری فرانسه به عنوان منطقه آزاد تجاری-صنعتی موفق شناخته شدند. کشورهای توسعه‌نیافته نیز با عنایت به تجربه کشورهای صنعتی به صورت خاص طرح مناطق آزاد تجاری-صنعتی را به انجام رساندند که می‌توان به طرح‌های توسعه سنگاپور، هنگ‌کنگ، سانتاکروز و ماکائو (قبل از جنگ دوم جهانی) اشاره کرد (افتخاری ۱۳۸۷: ۱۴۸).

در ایران طرح توسعه مناطق آزاد تجاری صنعتی قبل از انقلاب از سال ۱۳۳۰ با عنوان منطقه آزاد کیش شروع شد و سپس در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ به ترتیب در منطقه آزاد قشم و چابهار به اجرا درآمد. بعد از انقلاب اسلامی ایران، به ویژه پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بدون اینکه مطالعه جدی در خصوص پیامدهای توسعه‌ای این طرح‌ها صورت گیرد، دولت به گسترش مناطق آزاد موجود و ایجاد چندین منطقه دیگر از جمله ارس، اروندرود، انزلی و ماکو در سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۹ اقدام کرد. این مناطق علاوه بر اهداف معین و مشترک، هر کدام مأموریت‌های ویژه‌ای داشتند، که اولویت آنها به شرح زیر است: منطقه آزاد انزلی؛ صنعت پوشاک و تجارت با کشورهای حوزه خزر و روسیه، منطقه ارس؛ صنعت سلولزی و تجارت با کشورهای حوزه قفقاز، منطقه آزاد ماکو حمل و نقل و ترانزیت کالا به همراه تجارت با ترکیه، منطقه آزاد اروند؛ صنایع پالایشگاهی و تجارت با عراق و کویت، کیش؛ تکنولوژی حفاری دریایی و تجارت با کشورهای حوزه خلیج فارس، قشم فناوری‌های زیستی و تجارت با کشورهای خلیج فارس، چابهار؛ صادرات مجدد و تجارت با عمان، پاکستان و هند. فرض بر این بود که این مناطق با بهره‌گیری از قابلیت‌های تجاری و اقتصاد آزاد، به الگویی برای توسعه سایر مناطق تبدیل خواهند شد (گوگردچیان، ۱۳۸۹: ۲۳-).

۲۲). همچنان که در مورد ارس صادق است، از یک سو این طرح‌ها در مناطق خاصی انجام می‌شود که با دارا بودن پتانسیل‌های ویژه مانند همسایگی با کشورهای متعدد امکان مبادلات اقتصادی با طیف وسیعی از کشورها، از قفقاز تا روسیه و اروپای شرقی، را فراهم می‌کند. از سوی دیگر فرض بر این بود که طرح ایجاد مناطق آزاد به دلیل پتانسیل‌های توسعه‌ای این مناطق، شرایط نامساعد زندگی و عقب‌ماندگی اقتصادی اجتماعی آنها را تغییر داده و موجب بالا رفتن رفاه اجتماعی اقتصادی آنها شود.

صرف نظر از فلسفه رسمی و اعلام‌شده این طرح‌ها، اصولاً در ادبیات دو دیدگاه تحلیلی در خصوص این نوع طرح‌ها وجود دارد. از دیدگاه کلاسیک‌های لیبرال و نئولیبرال در خصوص تأثیر فزاینده آزادسازی بر توسعه تحلیل شده است که این نوع طرح‌ها را عامل توسعه می‌دانند، در حالی که دیدگاه‌های مقابل مانند طرفداران مکتب وابستگی و نظام جهانی و غیره به تأثیرات منفی این طرح‌ها تأکید کرده و آنها را عامل بدبختی مناطق و کشورهای دیگر می‌دانند. در کنار این دو دیدگاه، دیدگاه سومی نیز قابل طرح است که هدف این پژوهش است و آن دیدگاه ملهم از فرگوسن (۱۹۹۰) در مورد طرح توسعه‌ای از جمله مناطق آزاد است. از نظر وی اقدامات و فعالیت‌های توسعه‌ای از هر نوع خواه ناخواه تأثیراتی را برجای می‌گذارد و قاعدتاً نمی‌توان به تمام و کمال آنها را کاملاً مثبت یا منفی تلقی کرد. این موضوع در مورد طرح ایجاد مناطق آزاد و پیامدهای رفاهی نیز قابل طرح است و آثار مناطق آزاد می‌تواند در حوزه‌های مختلف متفاوت باشد. همان طوری که در پیشینه تحقیق اشاره خواهد شد، هرچند پژوهش‌های متعددی که در مورد مناطق آزاد تجاری-صنعتی شده است ولی آنها غالباً از دیدگاه اقتصادی به موضوع نگریده‌اند و به ندرت به منطقه آزاد ارس تمرکز داشته و به مقوله رفاه اجتماعی در سطح محلی پرداخته‌اند. از این رو، این پژوهش در پی مطالعه آثار اجرای این طرح در مورد شاخص‌های رفاه اجتماعی جامعه محلی ارس از منظر ساکنان است.

مبانی نظری

به طور کلی، دو رویکرد عمده در ادبیات در خصوص تحلیل مناطق آزاد وجود دارد: الف) رویکرد (های) معطوف به فلسفه مناطق آزاد؛ ب) رویکردهای نظری معطوف به پیامد طرح‌های توسعه مانند نظریه‌های کارکردی-ساختی و انتقادی. در ادامه مقاله اجمالاً به آنها می‌پردازیم.

رویکردهای معطوف به منشأ و فلسفه مناطق آزاد

در مجموع، این رویکردها در دو دسته مجزا قابل بحث‌اند.

الف) تجارت و بازرگانی بین‌المللی آزاد و آزادتر بر اساس نظریه مزیت نسبی: به زعم اسمیت تراکم سرمایه، پیشرفت فنی یا تکنولوژی، تقسیم کار و یا تجارت بین‌المللی عوامل توسعه‌اند که در زمره اهداف عمده ایجاد مناطق آزادند. از نظر وی، تجارت آزاد بهترین روش برای تخصص یافتن در کالاهایی است که در آنها مزیت و برتری کامل دارند (هاروی، ۱۳۸۹: ۷۰۶-۷۰۰). به طرز مشابهی ریکاردو معتقد است که تجارت بین‌المللی موجب تمرکز سرمایه و پس‌انداز می‌شود و در نهایت به رشد و توسعه می‌انجامد. از نظر او رقابت آزاد در نهایت به تعادل اقتصادی منجر می‌شود و بهترین روش برای استفاده مطلوب و مناسب از منابع تجارت آزاد است. چرا که در این حالت هر کشوری به تولید آن دسته از کالاهایی خواهد پرداخت که در آن مزیت نسبی دارد و کالاهایی که در شرایط تجارت آزاد تولید می‌شود، کالاهایی‌اند که در تولید آنها از عامل سرمایه بیشتر از عامل کار استفاده می‌شود. این امر (تجارت آزاد) موجب کاهش دستمزد و بهره مالکانه و بالعکس افزایش سود خواهد شد (تفضلی، ۱۳۷۵: ۱۴۰-۱۳۶).

ب) تحلیل واینر یا تحلیل رفاهی ایستا: از نظر واینر، مناطق آزاد با توجه به دو مفهوم مهم ابداع تجاری و انحراف تجاری قابل فهم است. ابداع تجاری زمانی اتفاق می‌افتد که کالاها و خدمات ارزان‌قیمت و البته باکیفیت وارد شده و جایگزین کالاها و خدمات مشابه داخلی گران‌قیمت شود. انحراف تجاری زمانی اتفاق می‌افتد که به جای وارد کردن کالاها و محصولات ارزان‌قیمت خارجی از کالاها و محصولات گران‌قیمت داخلی استفاده کنیم. حالت اول (ابداع تجاری) حالتی است که رفاه و توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد ولی حالت دوم (انحراف تجاری) حالتی است که رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی کشورهای مرتبط کاهش می‌یابد. واینر معتقد است منطقه آزاد تجاری مانند شمشیری دو لبه عمل می‌کند که هم می‌تواند به انحراف تجاری بیانجامد و هم می‌تواند به ابداع تجاری بیانجامد (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۵: ۳۱-۲۹).

رویکردهای نظری معطوف به پیامد طرح‌های توسعه

به لحاظ پیامدی می‌توان از ادبیات، سه دسته از نظریه‌ها برای تحلیل طرح مناطق آزاد استنتاج کرد که در امتداد دو دیدگاه ایدئولوژیکی است: الف) نظریه ساختی-کارکردی؛ ب) نظریه انتقادی.

الف) نظریه کارکردی - ساختی: دیدگاه کارکردگرایی - ساختی در خصوص تحلیل فرایند توسعه و اجرای طرح‌های توسعه‌ای عمدتاً مبتنی بر دیدگاه نوسازی است. بر اساس این دیدگاه اساساً اقدامات و ملاحظات توسعه‌ای ابزاری برای بهبود و ارتقای شیوه‌های تولید و تجارت و همین‌طور ابزاری برای بهبود شرایط و استانداردهای زندگی است. از این منظر، پروژه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای از هر نوع، وسیله‌ای برای ایجاد دنیای متفاوت، بهتر و آرمانی است (فرگوسن، ۱۹۹۰: ۴۱). به زعم صاحب‌نظران این رویکرد رشد و توسعه اقتصادی در مکان‌هایی که شرایط و پتانسیل دارند گرایش به ظهور دارند. این منطقه هم فرابخشی و فضایی است و هم اجتماعی؛ یعنی مرکز شهر یا بخش اقتصادی خاص یا طبقه نسبتاً مرفه منتفع شود که به تدریج آثار نفعی سرتاسر منطقه یا کشور منافع طرح‌های توسعه اشاعه پیدا می‌کند (چون بری، ۱۹۸۴؛ پروکس، ۱۹۵۰؛ فریدمن، ۱۹۸۱؛ پروکس، ۱۹۵۰). از این رو ناملایمات فرایند نوسازی و اقدامات توسعه‌ای با برنامه و مداخله‌ای زیادند ولی در درازمدت نه تنها اجتناب‌پذیرند بلکه مطلوب نیز خواهند بود. شاید مدت‌ها لازم باشد تا تأثیرات برابری و مساوات‌گرایانه نمود پیدا کند (هانتینگتون، ۱۹۷۶). بنابراین از منظر کارکردگرایی - ساختی هر نوع تلاشی در این فرایند مفید و مطلوب خواهد بود. در نتیجه دستگاه‌های و کارگزاری‌های توسعه، بخشی از کنش جمعی برای مبارزه با فقر و ارتقای سطح زندگی آحاد جامعه را تشکیل می‌دهند (میردال، ۱۹۷۰). پس برنامه‌ریزی توسعه باید به عنوان «فعالیت جسورانه جمعی انسان» تلقی شود (رابرتسون، ۱۹۸۴).

ب) دیدگاه انتقادی: این دیدگاه از رویکرد کل‌گرایانه و سیستمی به مطالعه تغییر اجتماعی و رابطه پدیده‌های متفاوت اجتماعی می‌پردازد (والرشتاین، ۱۹۸۷ و ۱۹۸۶). از منظر این تحلیل، توسعه ناهمزمان و نابرابر مناطق و ارتقای نامتعادل زندگی بخشی از جامعه در مقایسه با اکثریت آحاد نوعی «استعمارگرایی درونی» است. توسعه برخی مناطق یا بهبود گروه‌های خاصی از افراد در صورتی امکان‌پذیر است که بقیه توسعه نیابند. این بدان سبب است که توسعه نابرابر و نفع‌بری ناهمگون افراد در فرایند توسعه، ذاتی این پروژه‌های سرمایه‌دارانه است (امین، ۱۹۷۴؛ هیچر ۱۹۷۰ و بروت، ۱۹۸۵). بر این اساس طرح‌های توسعه‌ای از جمله ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی در بهترین وجه به بهبود جزئی و نه کامل وضعیت معیشت و زندگی افراد تلقی می‌شود (دژنوری، ۱۹۸۱). بنابراین پروژه‌های توسعه‌ای صرفاً ابزاری برای کنترل اجتماعی است. بر اساس این تحلیل هر نوع تلاشی برای توسعه، در چارچوب نظام فوق، نه تنها علت توسعه نیست بلکه مانع آن نیز است، نه مرهمی برای فقر بلکه علت آن

است (فرگوسن، ۱۹۹۰). پروژه‌های توسعه‌ای بیشتر در خدمت ارتقای مناسبات سرمایه‌دارانه است و این نظام را در مقابل تغییرات اجتماعی بنیادین محافظت می‌کند تا اینکه توسعه واقعی ایجاد کند و همه مناطق یا افراد را منتفع سازد.

ج) دیدگاه تغییرات واقعی، فراسوی کارکردی-انتقادی: رویکرد سوم که عمدتاً مد نظر این مقاله است فراتر از تحلیل‌های فوق است و آن نظریه فرگوسن است که باید تحلیل‌ها در خصوص توسعه مداخله‌ای و پروژه‌های فراتر از اینکه آن مطلوب است یا نامطلوب صورت گیرد. از اینرو، موجه این است که به سازوکارهایی که سبب انحراف پروژه‌هاست تمرکز کنیم. چون در واقعیت، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه حدی از تغییرات اقتصادی-اجتماعی یا توسعه را همراه با نهادها و گروه‌های ذی‌نفع سبب می‌شوند (هایر و همکاران، ۱۹۸۱). از این رو سهل است که بگوییم در طرح‌هایی که با تغییرات ساختاری همراه نباشد در عمل انحراف از اهداف اولیه را به بار خواهند آورد (علوی، ۱۹۷۱؛ وود، ۱۹۸۴؛ سارکر، ۱۹۹۰). در واقع انحراف برنامه در مراحل مختلف بخشی به دلیل عدم تغییرات بنیادی در ساختارهای پیشین است که ثمرات پروژه‌های توسعه را به طور متوازن توزیع نمی‌کند. شاید یک بوروکراسی کارآمد، متعهد و مجرب لازم باشد (سارکر، ۱۹۹۰)، ولی در اکثر کشورهای در حال توسعه چنین دیوانسالاری وجود ندارد از این رو حق با واینر خواهد بود که طرح‌های توسعه چون مناطق آزاد تجاری-صنعتی هرچند اهداف عامی دارند ولی در عمل انحراف از اهداف شکل می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام‌شده درباره مناطق آزاد را می‌توان دو دسته داخلی و خارجی طبقه‌بندی کرد: تحقیقات خارجی اغلب به بررسی مناطق آزاد کشورهای توسعه‌یافته پرداخته و تحت تأثیر دیدگاه‌های پشتیبان مانند مکتب نوسازی و لیبرالیستی بر آثار مثبت آن تأکید می‌کنند. برای مثال در سال ۲۰۰۵ تحقیقی با عنوان تجزیه و تحلیل محاسباتی از مناطق آزاد تجاری آمریکا انجام شده است. اهداف مناطق آزاد تجاری-صنعتی آمریکا بین‌المللی کردن تجارت و محصولات آمریکایی و افزایش اشتغال در دوره‌های رکود اقتصادی اعلام شده است که توانسته‌اند از بیکاری و رکود بکاهند. موازنه بازرگانی آمریکا، وضعیت صادرات و واردات این مناطق مثبت ارزیابی شده و حتی منافع آن به سایر مناطق و ایالت‌های کشور نیز مورد تأیید قرار گرفته است. فعالیت عمده صنعتی در مناطق آزاد تجاری به صنایع اتومبیل‌سازی اختصاص دارد اما در آمریکا همه مناطق آزاد فقط به صنعت نمی‌پردازند برای مثال سلیکون ولی منطقه آزادی

است که بیشتر به عنوان پارک‌های علمی - صنعتی شناخته شده است (براون و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۰-۱۵). تحقیق دیگری با عنوان تجزیه و تحلیل داده‌های پانل از آثار تجارت و انحراف تجارت: مورد منطقه تجارت آزاد آسه آن و چین در سال ۲۰۱۴ انجام شده است که در آن به تأثیر حذف تعرفه‌ها و یارانه‌ها بر کشاورزی و تولید پرداخته شده است. نتیجه آن نشان می‌دهد که اف تی ای موجب افزایش ۱۱۸ میلیون دلاری رفاه اقتصادی می‌شود. بیشترین افزایش با ۶۷,۶ در ایالت متحده و ۲۷,۶ در آمریکای جنوبی بوده است. در این مطالعه طرح ایجاد مناطق آزاد از عوامل اصلی توسعه کشورهای جنوب شرق آسیا مانند سنگاپور، هنگ‌کنگ، کره جنوبی و ... محسوب شده و در مورد مناطق آزاد چین اشاره شده است که ۴۴ درصد صادرات کشور و نیمی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این مناطق صورت گرفته است. مناطق آزاد چین چند ویژگی مهم داشتند که عبارت‌اند از: نخست از مراکز اقتصادی و شهرهای بزرگ کاملاً دور بودند. دوم در مناطقی ایجاد می‌شوند که ساکنان دائمی و خارجی کمتری دارند (زاروسو، ۲۰۱۴: ۱-۱۴).

مطالعات داخلی در مورد مناطق آزاد را نیز می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد:

الف) دسته‌ای که به پتانسیل‌های توسعه‌ای این مناطق می‌پردازند برای مثال می‌توان به تحقیق قالیباف و کرمی در پژوهشی با عنوان توسعه منطقه‌ای در نواحی مرزی شمال غربی ایران (نمونه موردی منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس) اشاره کرد. آنها ضمن اشاره به قابلیت‌ها و توانایی‌های توسعه‌ای منطقه ارس (مانند همسایگی با کشورهای متعدد)، به ضرورت ایجاد برنامه جامع منطقه‌ای جهت تحقق یافتن امر توسعه تأکید کردند (قالیباف و کرمی، ۱۳۹۰: ۱۳۵ و ۱۴۴-۱۴۰).

ب) دسته‌ای که به پیامدهای عمدتاً منفی تأکید می‌کنند در این باره می‌توان به مطالعه‌های زیر اشاره کرد: برای مثال، از منظری انتقادی، شادی‌طلب در تحقیقی تحت عنوان نقش مناطق آزاد تجاری-صنعتی در توسعه به این نتیجه رسیده است که برخلاف انتظاری که از مناطق آزاد در مورد انتقال تکنولوژی‌ها و فناوری‌ها وجود دارد، این مناطق نه تنها باعث آن انتقال نمی‌شوند بلکه مانع ارتقای تکنولوژی در مناطق میزبان نیز می‌شوند. همچنین از دیدگاه وی، این مناطق باعث وابستگی مردم بومی منطقه شده و با قطع یا کاهش فعالیت‌های تجاری و صنعتی با مشکلات اجتماعی و اقتصادی زیادی مواجه می‌شوند (شادی‌طلب، ۱۳۷۰: ۱۶۵-۱۶۲). به طور مشابهی کامران و خاتمی در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ به مطالعه عملکرد مناطق آزاد و علل توسعه‌نیافتگی آنها در ایران پرداخته‌اند و مهم‌ترین دلایل این ناکامی‌ها را در عواملی چون

عدم مکان‌یابی صحیح، نبود امکانات زیربنایی، نبود ابزارهای کنترلی و عدم توجه به آمایش سرزمین برشمردند (کامران، ۱۳۸۱؛ خاتمی، ۱۳۸۲).

ج) دسته‌ای که به ابعاد مثبت و منفی مناطق آزاد اشاره کرده‌اند، نمونه این مطالعات می‌توان به پژوهش دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی (۱۳۹۵) با عنوان مقایسه «عملکرد مناطق آزاد تجاری موفق دنیا و ایران» اشاره کرد که به مطالعه میزان دستیابی به اهداف ایجاد این مناطق در ایران پرداخته است. در این پژوهش به تجربه موفق مناطق آزاد کشورهایمانند چین، امارات، مالزی، کره جنوبی، ترکیه و هند پرداخته که از سال ۱۹۷۹ شروع به تأسیس چهار منطقه آزاد کرده و به خاطر موفقیت این مناطق در دستیابی به اهداف مد نظر، مناطق آزاد دیگری را تا سال ۱۹۸۵ در دستور کار قرار داده است. در آخر به مقایسه تجربه ایران پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش مناطق آزاد در دستیابی به اهداف تعیین‌شده مانند توسعه صادرات نه تنها موفق نبوده بلکه معکوس نیز عمل کرده است و به سکوی واردات تبدیل شده است (وزارت امور اقتصاد و دارایی معاونت امور اقتصادی، ۱۳۹۵). به همین سبب نیز نمی‌توان انتظار داشت که تأثیرات چندان عمده‌ای در بهبود شرایط زندگی مردم مناطق داشته‌اند.

خوش‌چهره (۱۳۷۷) و لطیفی و قائم پور (۱۳۹۵) از منظری دیگر به مناطق آزاد نگاه کرده‌اند. به نظر آنها، صرف ایجاد مناطق آزاد یا مناطق پردازش صادرات به خودی خود مثبت نیست بلکه مناطق آزاد می‌توانند بسیار مؤثر و کارا باشند همانگونه که می‌توانند بی‌تأثیر یا زیانبار باشند. در اثبات این ادعا به ببرهای آسیا (سنگاپور، هنگ‌کنگ، تایوان و کره) اشاره می‌کنند که با اتخاذ سیاست‌های مناسب به توسعه اقتصادی خیلی سریع رسیدند و به عنوان رؤیای برنامه‌ریزان و مرجع تقلید بسیاری از کشورهای در حال توسعه انتخاب شدند. مناطق آزاد موفق، نرخ صادرات و صادرات مجدد بیشتری نسبت به وارداتشان دارند، این مناطق می‌توانند در امر ایجاد اشتغال به خصوص برای قشر زنان و کارگران غیر ماهر موفق عمل کنند، در جذب سرمایه‌گذاری خارجی که زمینه‌ساز بسیاری از مقدمات توسعه ملی و منطقه‌ای است، بسیار موفق‌اند (خوش‌چهره، ۱۳۷۷؛ لطیفی و قائم‌پور، ۱۳۹۵). در ارزیابی عملکرد مناطق آزاد ایران به ناکامی و عدم موفقیت این مناطق اشاره می‌کند که هیچ کدام از ویژگی‌های مناطق آزاد موفق دنیا اشاره شده را ندارند. این مناطق در ایجاد اشتغال ناموفق بوده، وارداتشان چندین برابر صادرات آنها بوده، در ایجاد پیوندهای پسین (انتقال تجربیات، مهارت، تکنولوژی و ...)

پیشین (ارتباط در زمینه کالاهای واسطه‌ای، خام، قطعات و ...)، جذب سرمایه‌های خارجی و کسب درآمد ارزی بسیار ناموفق عمل کرده‌اند.

جمع‌بندی و چارچوب پژوهش

اگر بخواهیم خلاصه ادبیات تحقیق را که الهام‌بخش تحقیق حاضر باشد بیان کنیم، محورهای زیر قابل طرح است:

نخست، مناطق آزاد تجاری- صنعتی اساساً اهداف توسعه‌ای منطقه هدف را از لحاظ اقتصادی (تجاری- صنعتی و خدماتی) و از لحاظ اجتماعی (ارتقای سطح زندگی و رفاه اجتماعی آحاد مردم) دنبال می‌کند؛

دوم، خود طرح‌ها اساساً پدیده‌های خنثی نیستند و از شرایط اقتصادی- اجتماعی موجود یا پیشین منطقه مانند پتانسیل‌های موجود یا پیشین متأثرند؛

سوم، طرح‌های توسعه‌ای (از جمله ایجاد مناطق آزاد) پیامدهای ناخواسته‌ای همانند سایر طرح‌ها مطرح می‌کنند که لزوماً با اهداف اصلی آنها یکسان نخواهد بود؛

چهارم، با توجه به مورد قبلی می‌توان گفت ایجاد مناطق آزاد خواه ناخواه آثار دوگانه می‌توانند داشته باشند که از بعد سلبی به دیدگاه «انحراف» نزدیک می‌شوند؛

پنجم، برخلاف نظریه‌های انتقادی طرح‌ها کاملاً آثار منفی ندارند (به عبارتی عقب‌ماندگی را تشدید نمی‌کنند) و بر خلاف نظریه‌پردازان کارکردگرایی- ساختارگرایی این طرح‌ها دنیای آرمانی را محقق نمی‌سازند، بلکه در واقعیت میزانی از تغییر و توسعه را سبب می‌شوند، منتهی ثمرات این تغییر در نبود تغییرات رادیکالی به طور نامتوازن نصیب منطقه و گروه‌ها یا ساکنان آن می‌شود که احتمالاً پتانسیل‌های قبلی و ساختارهای حاکم در این فرایند مؤثر خواهند بود.

روش‌شناسی

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد هدف این تحقیق بررسی پیامدهای ایجاد منطقه آزاد ارس بر شاخص‌های رفاه اجتماعی در این منطقه است. با عنایت به مباحث نظری فرض اصلی این است: طرح ایجاد مناطق آزاد تجاری- صنعتی شاخص‌های رفاه اجتماعی جامعه محلی را متأثر ساخته و این تأثیرات بر اساس ویژگی‌های محلی، خصوصیات افراد و متغیرهای زمینه‌ای متفاوت است.

برخی از این مفاهیم نیاز به توضیح دارد که مختصراً به آنها اشاره می‌شود.

رفاه: از جمله مفاهیمی که در میان صاحب نظران بر سر تعریف آن اختلاف نظر وجود دارد، رفاه است. عموماً رفاه به معنای خوب گذراندن است. رفاه ذیل بهزیستی قرار می‌گیرد و در کشورهای مختلف معنای متفاوتی دارد. اسپیکر معتقد است رفاه به بهزیستی اشاره دارد و شامل دسترسی به خدماتی مانند آموزش مناسب، بهداشت، مسکن، امنیت، عدالت و ... است و گاهی به معنای مساعدت و کمک مالی برای گروه‌های نیازمند و آسیب‌پذیر است (همتی و جغتایی، ۱۳۷۸). با توجه به اهداف سنجشی، رفاه با ابعاد متقاطع چون عینی، ذهنی، اجتماعی و اقتصادی تعریف و مطالعه شده است. برای مثال، پتریک بیان می‌دارد این ابعاد کاملاً بهم پیوسته‌اند در عین حال به لحاظ تحلیلی و پژوهشی قابل تجزیه‌اند. مثلاً کمبود و یا عدم تعلق، جرم و جنایات، حاشیه‌نشینی، خودفروشی و دسترس به تسهیلات همه به رفاه عینی مربوط می‌شوند که در نهایت به رفاه ذهنی نیز می‌انجامد یعنی با همدیگر مرتبط هستند (پتریک، ۱۳۸۱: ۲۹-۲۷).

در این تحقیق، رفاه عینی با بالا رفتن دسترسی و کیفیت تسهیلات بهداشتی (مانند خانه بهداشت، داروخانه، پزشک و غیره)، تسهیلات آموزشی (مانند کتابخانه‌ها، معلمان متخصص، کلاس‌های خصوصی و...)، کیفیت مسکن (مانند مصالح مقاوم، متراژ حیاط، اتاق‌های مجزا و ...) و بعد عینی با ماهیت اقتصادی (که غالباً گفته می‌شود نقش مهمی در رفاه افراد ایفا می‌کنند)، معرف‌های میزان درآمد، پس‌انداز و بدهی سنجیده شده‌اند. تمام مؤلفه‌های مذکور به صورت طیف لیکرت در قالب گویه از پاسخگویان سؤال شد.

به همین ترتیب برای سنجش متغیر رفاه ذهنی از نگرش افراد در مورد فقر و نابرابری، استرس و اضطراب، شادی و نشاط، دغدغه بیمه، رضایت از زندگی و امید به آینده افراد مورد بررسی سؤال شد. همانند رفاه عینی معرف‌های رفاه ذهنی به صورت طیف لیکرت در قالب گویه از جمعیت نمونه سؤال شد.

به نظر برخی از نظریه‌پردازان مانند الکاک و دیگران (۱۳۹۱: ۷۸)، در بطن رفاه با پسوند اجتماعی به طور اخص مفاهیمی چون حمایت اجتماعی، تأمین اجتماعی، خدمات اجتماعی و بهزیستی، مهم‌اند که گاهی بر قلمروی مفهومی مشترکی هم اشاره دارد. به ویژه اینکه، نمی‌توان طرحی چون آزادسازی را در منطقه‌ای ایجاد کرد به تور ایمنی بعد از اجرای این طرح‌ها که به قلمروهای اجتماعی مربوط می‌شود، بی‌تفاوت بود. از اینرو، این بعد نیز لحاظ شده است. برای سنجش آن از عضویت افراد در سازمان‌های حمایتی، ساعات کاری، تنوع شغلی و مهاجرت و ... به صورت گویه از پاسخگویان سؤال شد.

محل پژوهش: در این پژوهش دو قسمت از منطقه ارس بررسی شده است، ابتدا بخشی از منطقه که طرح منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس به مرکزیت جلفا در آن به اجرا درآمده است و سپس بخشی از منطقه که به لحاظ ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی و غیره مشابه بخشی است که طرح مورد نظر در آن اجرا شده است ولی خود این منطقه شامل طرح منطقه آزاد ارس نیست. منطقه اخیر کلیبر نام دارد. در بخش‌های دیگری به معرفی کامل این منطقه پرداخته‌ایم.

در پژوهش حاضر برای اطمینان از دقت، صحت و اعتماد به نتایج از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شد که پس از بررسی مقدماتی و پس از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به منظور تعیین روایی، آنها برای بررسی نهایی انتخاب شدند. گویه‌های انتخاب شده برای هر یک از متغیرهای مورد بررسی آنهایی بودند که ضریب بالا و قابل قبولی داشتند (بالای ۰/۷) و گویه‌های غیر معرف از بررسی حذف شدند^۱.

روش اجرا، جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری: با توجه به هدف تحقیق و ماهیت داده‌های مورد نیاز از روش تحقیق میدانی و نمونه‌گیری تصادفی نسبت به سهم، استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا با استفاده از رابطه کوکران از کل جامعه آماری، حدود ۴۷۰ نمونه انتخاب شد. بعد با توجه به حجم جمعیت در دو منطقه هدف (ارس) و شاهد (کلیبر) به ترتیب ۳۷۰ و ۱۰۰ نمونه انتخاب شد. در مرحله آخر، به صورت تصادفی با توجه به خوشه‌های جمعیتی هر منطقه افراد نمونه با توجه به قابل دسترس بودن آنها از هر سه واحد (مسکونی، اداری و تجاری) یک نفر انتخاب شد. در صورتی که یکی از واحدها قابل دسترس نبود واحد بعدی در نمونه گنجانده می‌شد. معمولاً مسئولان (رؤسای خانوارها، رئیس یا مالک شرکت یا کارشناس مرتبط) برای مصاحبه در نظر گرفته می‌شد و فرض بر این بود که آنها مطلع‌ترین افراد جامعه محلی‌اند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا ویژگی‌های محیطی، خصوصیات افراد و متغیرهای زمینه‌ای توصیف می‌شود و سپس مهم‌ترین نتایج تحقیق و تحلیل داده بیان می‌شود.

الف) ویژگی‌های جغرافیایی و جمعیتی منطقه آزاد ارس: برای درک بهتر نتایج تحقیق به برخی ویژگی‌های منطقه مورد بررسی اشاره می‌شود. شهر جلفا (یا هادی شهر) به عنوان

۱. نتایج ضرایب از سوی محققان قابل دسترس‌اند برای رعایت حجم مقاله از ذکر جزئیات خودداری شده است.

مرکز منطقه آزاد ارس در فاصله ۱۳۰ کیلومتری تبریز و در شمالی‌ترین نقطه استان آذربایجان شرقی واقع شده که ارتفاع آن از سطح دریا ۷۰۰ متر و فاصله راه‌آهن تبریز - جلفا به طول ۱۴۶ کیلومتر است. این شهر در موقعیت ۳۸ درجه و ۵۶ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۵ درجه و ۳۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. جلفا یکی از ۱۹ شهرستان استان آذربایجان شرقی است. این شهرستان با ۱۷۱۸ کیلومتر مربع ۳/۷ درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است. جمعیت جلفا حدود ۵۵ هزار نفر بوده و دارای دو بخش مرکزی، ۳ شهر (جلفا، هادی‌شهر و سیه‌رود) و ۵ دهستان است. به لحاظ تاریخی و جغرافیایی این منطقه سابقه تجاری و صنعتی قابل توجهی دارد و علاوه بر اینکه در مرز بین چهار کشور ایران، آذربایجان، ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان قرار گرفته است، می‌تواند به عنوان دروازه ورود به اروپا از طریق ترکیه و قفقاز نیز باشد. بزرگ‌ترین معدن کائولین کل خاورمیانه و منطقه در این منطقه (مرند) وجود دارد. وجود منابع نفیلین سینیت و جاذبه‌های گردشگری بسیار در منطقه کلبر، عبور لوله‌های گاز به خارج از این منطقه، نزدیکی به ترکیه به عنوان دروازه اروپا و قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم تعدادی از استعدادها را توسعه اقتصادی این منطقه به شمار می‌رود (سازمان منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس، ۱۳۸۸: الف). منطقه آزاد ارس به چهار محدوده تقسیم شده است که جدول زیر به معرفی کامل آنها می‌پردازد.

جدول ۱- محدوده‌های منطقه آزاد ارس

نام محدوده	مرکزیت	کشورهای همسایه	وسعت (هکتار)	جمعیت
محدوده یک	جلفا	جمهوری خودمختار نخجوان	۲۰۵۰۰	۹۵۲۱
محدوده دو	نوردوز	جمهوری ارمنستان	۲۴۰	***
محدوده سه	خداآفرین	جمهوری آذربایجان	۶۱۰۰	۷۱۴
محدوده چهار	قلی بیگلو	جمهوری آذربایجان	۲۴۰۰۰	۵۱۲۳

مأخذ: ترکیبی از داده‌های مرکز آمار ایران: ۱۳۹۰، سند تدبیر و توسعه منطقه آزاد ارس، ۱۳۹۹-۱۳۹۴

ب) ویژگی‌های زمینه‌ای جمعیت نمونه: بررسی ویژگی‌های فردی، اقتصادی و اجتماعی افراد مورد مطالعه نشان داد پاسخگویان در منطقه آزاد ارس در بازه سنی ۶۸-۲۹ قرار دارند، این بازه در منطقه کنترل بین ۶۵-۲۷ است. میانگین سنی پاسخگویان ۳۶/۷۶ سال است. از نظر جنسیت، ۷۶/۵ درصد از پاسخگویان را مردان و ۲۴/۵ از پاسخگویان را زنان تشکیل می‌دهند. نسبت بالای مردان بر زنان در بین پاسخگویان در این تحقیق نشانگر حضور بیشتر مردان

نسبت به زنان در جامعه است که حساسیت‌ها و گرایش‌های محافظه‌کارانه جامعه محلی را در برخورد با دو جنس نشان می‌دهد. از نظر تحصیلات، ۹/۱ درصد بی‌سواد، ۸/۳ ابتدایی، ۱۱ راهنمایی، ۲۸/۷ دبیرستان، ۳۲/۲ لیسانس، ۱۰/۷ فوق لیسانس و بالاتر بودند. به لحاظ تأهل ۸۱/۵ درصد از پاسخگویان متأهل و ۱۸/۵ درصد مجرد بودند. ۶۸/۹ درصد از کل پاسخگویان در خانه‌های شخصی، ۸/۳ درصد در خانه‌های سازمانی، ۹/۴ درصد در منازل رهنی و اجاره‌ای و ۱۳/۵ درصد از کل پاسخگویان در منزل پدری زندگی می‌کنند. به لحاظ وضعیت اشتغال، ۶۶/۱ درصد از پاسخگویان را شاغلان، ۹/۹ درصد را بیکاران، ۱۹/۳ درصد محصلان و ۳/۹ درصد زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند. با توجه به ترکیب جمعیت افراد نمونه، اکثر افراد نمونه (۹۰ درصد) ساکنان بومی بقیه (۱۰ درصد) را غیر بومیان تشکیل می‌دادند.

ج) تحلیل روابط بین متغیرهای تحقیق: در این بخش ابتدا آماره‌ها به طور مقایسه‌ای بین مناطق کنترل و شاهد صورت می‌گیرد و در آخر برای پی بردن به تأثیرات کلی، آماره‌های مرتبط برای کل جامعه آماری وصف و تحلیل می‌شود. از تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش موارد زیر بدست آمده است.

بررسی رابطه ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان با رفاه اجتماعی نشان می‌دهد بین متغیر جنسیت و تغییرات رفاه اجتماعی در نتیجه اجرای طرح منطقه آزاد ارس رابطه معناداری از نظر آماری وجود ندارد. یعنی زن و مرد بودن دیدگاهشان نسبت به تغییرات رفاهی این منطقه تأثیری نداشته است. با این وجود، میانگین رفاه اجتماعی در منطقه آزاد ارس در بین زنان ۱۹/۴۳ و در بین مردان ۲۰/۳۳ است؛ رفاه اجتماعی در منطقه آزاد ارس در بین مردان نسبت به زنان بیشتر است. در مورد رابطه محل تولد و رفاه اجتماعی می‌توان گفت، میانگین رفاه اجتماعی در منطقه آزاد ارس در بین افراد بومی ۲۰/۰۰۹ و در بین افراد غیر بومی ۲۱/۷۱۲ است که نمایانگر رفاه اجتماعی بالای غیر بومیان در منطقه آزاد ارس در مقایسه با افراد بومی است. این موضوع درباره وضعیت فعالیت و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد به عبارتی تفاوت شغلی در وضعیت رفاهی افراد مهم بوده و شاغلان در وضعیت رفاهی بهتری نسبت به سایر گروه‌ها مانند خانه‌داران، دانشجویان، بیکاران و غیره قرار دارند. در مورد نوع منزل و رفاه اجتماعی نیز این امر صادق است و رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد یعنی کسانی که در منزل شخصی زندگی می‌کنند، نسبت به گروه‌های دیگری مانند ساکنان خانه‌های سازمانی، اجاره‌ای، رهن، منزل پدری و ... وضعیت رفاهی بهتری دارند.

جدول ۲- آماره توصیفی جنسیت

جمع	زن	مرد		
۳۶۳	۶۰	۳۰۳	فراوانی	گروه
۱۰۰	۱۶,۵	۸۳,۵	درصد	اصلی
۱۰۰	۳۰	۷۰	فراوانی	گروه
۱۰۰	۳۰	۷۰	درصد	کنترل

بر اساس آزمون انجام شده، در منطقه آزاد ارس ۸۳/۵ درصد از پاسخگویان را مردان و ۱۶/۵ از پاسخگویان را زنان تشکیل می دهند. طبق اعداد به دست آمده، تقریباً بیشتر افراد مردان تشکیل می دهند. در ظاهر و در قضاوت نخست احتمالاً ضعف تحقیق باشد که چرا افراد به صورت برابر انتخاب نشده اند. لازم به توضیح است فزونی تعداد مردان بر زنان در بین پاسخگویان این تحقیق نشان از حساسیت به مسائل جنسیتی و حضور بیشتر مردان نسبت به زنان در جامعه است. زیرا داده های این تحقیق اکثراً در مکان های عمومی جمع آوری شده است نه در مکان های خصوصی نظیر منزل.

جدول ۳- آماره توصیفی وضعیت فعالیت

جمع	سایر	خانه دار	محصل و دانشجو	بیکار	شاغل	وضعیت فعالیت
۳۶۳	۳	۱۴	۷۰	۳۶	۲۴۰	فراوانی
۱۰۰	۰,۸	۳,۹	۱۹,۳	۹,۹	۶۶,۱	درصد
۱۰۰	۰	۰	۱۴	۱۱	۷۶	فراوانی
۱۰۰	۰	۰	۱۳/۹	۱۰/۹	۷۵/۲	درصد

طبق آزمون انجام شده، ۶۶/۱ درصد از پاسخگویان اظهار کرده اند شاغل اند. در کنار شاغلان، ۹/۹ درصد از افراد اعلام کرده اند بیکار بوده و شغل ندارند. ۱۹/۳ و ۳/۹ درصد نیز به ترتیب محصل و زنان خانه دار هستند. ۰/۸ درصد نیز جزو چهار گروه قبلی نبوده و سایر وضعیت ها را در مورد وضعیت شغلی اظهار کردند.

جدول ۴- آماره توصیفی محل تولد

محل تولد	بومی	غیربومی	جمع
فراوانی	۳۲۶	۳۵	۳۶۳
درصد	۸۹٫۸	۹٫۶	۱۰۰
فراوانی	۹۸	۲	۱۰۰
درصد	۹۸	۲	۱۰۰

بر اساس آزمون انجام شده ۸۹/۸ درصد از کل پاسخگویان را افراد بومی شامل می‌شوند، در کنار افراد بومی منطقه، ۹/۶ درصد از افراد غیر بومی بوده اما در گروه کنترل ۹۸ درصد از کل پاسخگویان بومی بوده و فقط ۲ درصد از افراد غیر بومی بوده و به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهند مهاجرت به این منطقه بسیار کم و تقریباً نزدیک به صفر است. مقایسه داده‌های این جدول نشان می‌دهد میزان ورود افراد غیر بومی به میدان اصلی تحقیق نسبت به میدان کنترل بیشتر بوده است.

جدول ۵- توصیف آماره دسترسی به امکانات و تسهیلات بهداشتی و درمانی در جامعه اصلی و جامعه کنترل

متغیر	کل	ماکزیمم	مینیمم	میانگین	واریانس	کشیدگی	چولگی
قبل از منطقه آزاد شدن در گروه اصلی	۳۶۳	۲۵	۵	۱۱/۸۰	۵/۲۴	۱/۰۴۵	۰/۵۳۲
بعد از منطقه آزاد شدن در گروه اصلی	۳۶۳	۲۵	۵	۱۴/۶۹	۵/۹۶	۰/۲۸۰	۰/۸۰۵
قبل از ۱۳۸۲ در گروه کنترل	۱۰۰	۱۸	۵	۹/۳۸	۱۱/۷۷	۱/۲۲	۰/۷۸۹
بعد از ۱۳۸۲ در گروه کنترل	۱۰۰	۲۴	۵	۱۲/۵۵	۲۲/۷۱	۰/۵۰۹	-۰/۷۳۴

تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد بعد از به وجود آمدن منطقه آزاد میزان دسترسی به این امکانات در منطقه آزاد ارس افزایش پیدا کرده است. هر چند این افزایش بسیار چشمگیر نیست، نسبت به دوره قبل از به وجود آمدن منطقه آزاد ارس افزایش پیدا کرده است. در مورد گروه کنترل میزان دسترسی به این امکانات در دو دوره متفاوت تقریباً یکسان بوده است و تفاوتی در میزان دسترسی به این امکانات ایجاد نشده است. در مورد کیفیت نیز وضعیت تغییرات دقیقاً به همین شکل بوده است.

جدول ۶- آماره توصیفی استفاده از تسهیلات مسکن

متغیر	کل	ماکزیمم	مینیمم	میانگین	واریانس	کشیدگی	چولگی
قبل از منطقه آزادشدن در گروه اصلی	۳۶۳	۲۰	۴	۱۳/۹۰	۴/۴۶	-۰/۳۲۴	-۰/۸۵۷
بعد از منطقه آزادشدن در گروه اصلی	۳۶۳	۲۰	۴	۱۴/۲۸	۴/۶۵	-۰/۶۴۲	-۰/۶۶۷
قبل از ۱۳۸۲ در گروه کنترل	۱۰۰	۲۰	۴	۱۴/۹۷	۲۰/۵۹	-۰/۷۹۷	-۰/۳۷۵
بعد از ۱۳۸۲ در گروه کنترل	۱۰۰	۲۰	۴	۱۵/۷۷	۱۸/۳۲	-۱/۱۵۴	۰/۵۸۷

میانگین نمره میزان استفاده از تسهیلات مسکن در دوره قبل و بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس به ترتیب ۱۳/۹۰ و ۱۴/۲۸ است. افزایش میانگین فقط ۰/۴۸ درصد بوده که این افزایش جزئی، حتی بیشتر از آن در منطقه کنترل نیز تکرار شده است. میانگین استفاده از تسهیلات مسکن در دوره قبل از ۱۳۸۲ در گروه کنترل ۱۴/۹۷ و بعد از ۱۳۸۲ برابر ۱۵/۷۷ است. با مقایسه این دو عدد، تفاوت چندانی بین این دو میانگین مشاهده نمی‌کنیم. هر چند میانگین دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس کمی نسبت به دوره قبل از ایجاد منطقه آزاد ارس افزایش یافته است اما این افزایش میانگین به حدی نیست که بتوانیم تأثیر چشمگیر ایجاد منطقه آزاد ارس را بر میزان استفاده از تسهیلات را نشان دهیم. در مورد کیفیت مسکن و وضعیت اقتصادی نیز این تغییرات بسیار جزئی است.

جدول ۷- آماره توصیفی قیمت و هزینه مسکن

متغیر	کل	ماکزیمم	مینیمم	میانگین	واریانس	کشیدگی	چولگی
قبل از منطقه آزادشدن در گروه اصلی	۳۶۳	۱۰	۲	۳/۵۷	۲/۰۵	۱/۳۰	۰/۹۰۴
بعد از منطقه آزادشدن در گروه اصلی	۳۶۳	۱۰	۲	۸/۴۴	۲/۰۶	-۱/۶۲	۲/۱۰
قبل از ۱۳۸۲ در گروه کنترل	۱۰۰	۹	۲	۴/۲۴	۳/۳۳	۰/۴۸۹	-۰/۳۰۰
بعد از ۱۳۸۲ در گروه کنترل	۱۰۰	۱۰	۲	۴/۰۶	۴/۰۶	۱/۰۱	۱/۱۳

میانگین قیمت و هزینه مسکن به دست آمده در دوره قبل از منطقه آزادشدن به اندازه‌ای کم و نزدیک به کمترین نمره پاسخگویان است (۳/۵۷) که می‌توان گفت قیمت و هزینه مسکن در این دوره حتی تقریباً خیلی پایین بوده است. میانگین قیمت و هزینه مسکن در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس بالا و تقریباً حتی خیلی بالاست (۸/۴۴). پس در نتیجه در این دوره قیمت و هزینه تمام‌شده مسکن برای افراد بسیار بالاست. میانگین قیمت و هزینه مسکن در

دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس به شدت افزایش یافته است. این افزایش در حدود بیش از دو برابر دوره قبل است. با مقایسه دو میانگین فوق در گروه کنترل مشخص می‌شود میانگین قیمت و هزینه مسکن در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس هیچ فرقی نکرده و همچنان هزینه‌های مسکن برخلاف منطقه آزاد ارس بسیار پایین است.

جدول ۸- آماره توصیفی وضعیت شغلی

متغیر	کل	ماکزیمم	مینیمم	میانگین	واریانس	کشیدگی	چولگی
قبل از منطقه آزادشدن در گروه اصلی	۳۶۳	۱۴	۵	۹/۴۷	۱/۵۹	-۰/۰۶۱	-۰/۲۳۲
بعد از منطقه آزادشدن در گروه اصلی	۳۶۳	۱۷	۴	۱۱/۹۴	۲/۳۰	-۰/۴۲۹	-۰/۱۸۶
قبل از ۱۳۸۲ در گروه کنترل	۱۰۰	۱۵	۳	۸/۵۰	۲/۴۵	-۰/۱۷۴	۰/۱۰۶
بعد از ۱۳۸۲ در گروه کنترل	۱۰۰	۱۷	۴	۹/۳۳	۲/۸۶	۰/۶۰۵	۰/۴۲۸

میانگین وضعیت شغلی در دوره قبل از ایجاد منطقه آزاد ارس برابر ۹/۴۷ و میانگین آن در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس برابر ۱۱/۹۴ شده است. وضعیت شغلی در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس نسبتاً بهتر شده است و افراد برای پیدا کردن شغل و شاغل شدن وضعیت نسبتاً بهتری پیدا کرده‌اند و نسبت به دوره قبل بهتر و مساعدتر شده است. پس در نتیجه با ایجاد منطقه آزاد ارس وضعیت شغلی بهتر شده است و ایجاد منطقه آزاد ارس بر وضعیت شغلی تأثیر مثبتی داشته است. میانگین وضعیت شغلی در دوره قبل از ایجاد منطقه آزاد ارس برابر ۸/۵۰ و میانگین آن در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس برابر ۹/۳۳ شده است. در هر دو حالت وضعیت شغلی تقریباً یکسان بوده و تفاوت زیادی نکرده است.

جدول ۹- آماره توصیفی دسترسی به تسهیلات آموزشی

متغیر	کل	ماکزیمم	مینیمم	میانگین	واریانس	کشیدگی	چولگی
دسترسی به تسهیلات آموزشی قبل از منطقه آزادشدن	۳۶۳	۲۵	۵	۱۲/۷۲	۵/۲۴	۰/۴۵	-۰/۶۴
دسترسی به تسهیلات آموزشی بعد از منطقه آزادشدن	۳۶۳	۲۵	۵	۱۵/۶۳	۵/۹۳	۰/۳۰	۱/۷۱
دسترسی به تسهیلات آموزشی قبل از ۱۳۸۲ در جامعه کنترل	۱۰۰	۲۲	۵	۱۰/۵۹	۴/۰۵	-۰/۸۹۷	۰/۴۶۳
دسترسی به تسهیلات آموزشی بعد از ۱۳۸۲ در جامعه کنترل	۱۰۰	۲۳	۵	۱۲/۲۸	۴/۹۵	۰/۲۳۷	-۰/۰۷۹

تفاوت میانگین میزان دسترسی به تسهیلات آموزشی در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس نسبت به دوره قبل از ایجاد آن افزایش نشان می‌دهد. در جامعه کنترل میزان دسترسی در هر دو دوره در حد متوسط رو به پایین است. لازم به ذکر است این درصد در دوره زمانی بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس به صورت محدود افزایش یافته است. کیفیت تسهیلات آموزشی منطقه ارس نیز در دوره قبل از ایجاد منطقه آزاد ارس در حد پایین قرار دارد، در حالی که کیفیت تسهیلات آموزشی در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس در حد متوسط رو به بالا قرار دارد. با مقایسه این دو وضعیت، مشخص می‌شود کیفیت تسهیلات آموزشی در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس نسبت به دوره قبل از ایجاد آن وضعیتی بهتر داشته و با ایجاد منطقه آزاد ارس کیفیت تسهیلات آموزشی نیز افزایش یافته است. این شاخص در منطقه کنترل در هر دو دوره وضعیت تقریباً یکسانی داشته و تفاوت زیادی نکرده است.

به طوری که جدول ۷ نشان می‌دهد با توجه به مؤلفه‌های ذهنی رفاه، این مؤلفه‌ها در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس نسبت به دوره قبل از ایجاد منطقه آزاد ارس وضعیت بهتری یافته است. این فرایند در جامعه کنترل نیز تکرار شده است. به عبارتی تصور پاسخگویان همراه با خوشبینی است. یعنی آنها معتقدند وضعیت فقر و نابرابری بهتر شده است. آنها رضایت بیشتری نسبت به زندگی ابراز داشتند و معتقدند آینده بهتر خواهد بود. با توجه به تعارض نسبی این یافته با یافته‌های بعد عینی می‌توان گفت احتمالاً تبلیغات پیشین در مورد نقش ایجاد مناطق آزاد و احتمالاً تغییرات فیزیکی و ایجاد برخی تسهیلات این تصور را ایجاد کرده است که احتمالاً در آینده وضع بهتر خواهد بود.

جدول ۱۰- آماره توصیفی وضعیت رفاه ذهنی

متغیر	کل	ماکزیمم	مینیمم	میانگین	واریانس	کشیدگی	چولگی
وضعیت رفاه ذهنی قبل از منطقه آزاد شدن در جامعه اصلی	۳۶۳	۳۵	۱۳	۲۱/۰۳	۴/۷۳	۲/۳۹	۲/۲۰
وضعیت رفاه ذهنی بعد از منطقه آزاد شدن در جامعه اصلی	۳۶۳	۳۰	۷	۲۰/۱۷	۴/۷۲	۰/۶۴۶	۲/۲۹
وضعیت رفاه ذهنی قبل از ۱۳۸۲ در جامعه کنترل	۱۰۰	۳۵	۷	۱۸/۸۴	۵/۵۲	۰/۱۷۹	۰/۳۸۶
وضعیت رفاه ذهنی بعد از ۱۳۸۲ کنترل	۱۰۰	۳۲	۸	۲۰/۷۵	۵/۴۷	-۰/۲۲۶	-۰/۳۷۷

در مورد نیاز به سازمان‌های حمایتی و تأمین اجتماعی در دو دوره جداگانه، تحلیل داده‌ها (جدول ۷) نشان می‌دهد افراد در هر دو دوره تقریباً به یک اندازه به سازمان‌های حمایتی نیاز دارند. میزان این نیاز و وابستگی با ایجاد منطقه آزاد ارس افزایش و یا کاهش چشمگیری نداشته است. در منطقه کنترل نیز وضعیت کاملاً مشابه این منطقه است. بنابراین برخلاف تصور خوش‌بینانه به لحاظ ذهنی، به لحاظ عینی تغییر چندانی ملاحظه نمی‌شود.

جدول ۱۱- آماره توصیفی مهاجرت بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس

متغیر	کل	ماکزیمم	مینیمم	میانگین	واریانس	کشی‌دگی	چولگی
مهاجرت در جامعه اصلی	۳۶۳	۱۵	۳	۹/۶۷	۲/۹۷	-۰/۵۱	-۰/۴۶
مهاجرت در جامعه کنترل	۱۰۰	۱۵	۳	۶/۶۱	۸/۴۸	۰/۷۶۹	۰/۶۳۳

یافته‌ها نشان می‌دهد در خصوص میزان مهاجرت، منطقه مورد مطالعه در دوره بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس در حدود متوسط رو به بالا قرار دارد (میانگین ۹/۶۷). ولی میزان مهاجرت در دوره زمانی بعد از ایجاد منطقه آزاد ارس در منطقه کنترل در حد پایین قرار دارد که به نظر معقول است (میانگین ۶/۶۱). چون در منطقه هدف عامل جذب افراد خارج منطقه در حوزه‌های عمدتاً تجاری شده است.

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره (جداول ۹، ۱۰ و ۱۱)، ضمن تأیید توصیف‌های فوق، میزان تأثیرات کلی و جزئی تأثیرات منطقه آزاد را بر کل منطقه نشان می‌دهد. به طوری که تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد جمعیت نمونه از نظر متغیرهای مطالعه‌شده از ایجاد منطقه آزاد تأثیرات معناداری پذیرفتند. این بدین معناست که نمی‌توان گفت شاخص‌های رفاهی مطالعه‌شده نسبت به اجرای طرح بی‌تأثیر بوده است، ولی تأثیرپذیری مجزای متغیرها با توجه به مقادیر تی خیلی بالا نبوده است. از نظر میزان اهمیت و تفاضل تأثیراتی به ترتیب متغیرهای کیفیت تسهیلات آموزشی، وضعیت شغلی و کیفیت مسکن بیشترین تأثیر مثبت را داشتند و متغیرهای مربوط به تسهیلات بهداشتی و مهاجرت به ترتیب تأثیرات معکوس را پذیرفتند. تأثیرات سایر متغیرها خیلی پایین و در مراحل بعدی قرار دارند.

همین‌طور آزمون دوربین- واتسون برای بررسی استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی‌شده به وسیله معادله رگرسیون) نشان می‌دهد مقدار این آزمون برابر ۱/۵۷ بوده که بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته است بنابراین فرض اصلی پذیرفته می‌شود. عدم همبستگی یا استقلال بین خطاها تأیید می‌شود پس می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. ضریب R

اصلاح شده به دست آمده نیز برابر ۰/۲۸۸ است. در واقع ۲۸ درصد از متغیر وابسته این تحقیق را متغیرهای مستقل معنادار و مابقی را متغیرهایی بررسی نشده در این تحقیق تبیین می‌کند. غالباً در مطالعات اجتماعی عوامل دخیل در متغیر وابسته متعددند، لذا نمی‌توان انتظار زیادی از نتایج تحلیل رگرسیونی داد، مگر اینکه تحقیق از نوع طولی یا پانلی باشد و یا مطالعات قبلی قابل توجه راجع موضوع و منطقه خاص انجام شده باشد تا مطالعه بعدی متغیرهای نهان را لحاظ کند. چون مطالعه حاضر اولین مطالعه در ارس است، لذا برآورد رقم مزبور تا حدی معقول به نظر می‌رسد، در عین حال مطالعات بعدی بایستی عوامل عدیده‌ای را لحاظ کنند که در این مطالعه لحاظ نشده است.

شایان ذکر است نتایج تحلیل رگرسیونی به ویژه ضرایب بتا و معناداری آماری متغیرها آشکار می‌کند در برخی متغیرها تأثیر مثبت و معنادار، در برخی تأثیر اندک و برخی دیگر تأثیرات منفی و غیر معنادار است. یافته‌ها تا حد زیادی دیدگاه فرگوسن را تأیید می‌کند که لزوماً تأثیرات نه کاملاً بسیار مطلوب و نه کاملاً ناچیز و منفی‌اند.

جدول ۱۲- تحلیل رگرسیونی تأثیر ایجاد منطقه آزاد ارس بر شاخص‌های رفاهی

معناداری	تی	بتا	اشتباه استاندارد	B	نوع آماره
.000	4,843		1,929	9,343	مقادیر ثابت متغیرها
.824	-.222	-.015	.053	-.012	دسترسی به تسهیلات بهداشتی و درمانی
.591	-.538	-.038	.060	-.032	کیفیت تسهیلات بهداشتی و درمانی
.029	2.189	.152	.070	.154	دسترسی به تسهیلات مسکن
.036	2.100	.146	.075	.157	کیفیت تسهیلات مسکن
.584	-.548	-.026	.107	-.059	قیمت و هزینه مسکن
.261	1.127	.055	.056	.063	رفاه اقتصادی
.001	3,486	.185	.109	.379	وضعیت شغلی
.978	.027	.001	.093	.002	وضعیت بیمه و تأمین اجتماعی
.404	.835	.055	.052	.044	دسترسی به تسهیلات آموزشی
.007	2,729	.198	.069	.189	کیفیت تسهیلات آموزشی
.348	-.939	-.045	.076	-.071	مهاجرت

جدول ۱۳. خلاصه مدل رگرسیونی

مدل	R	R اصلاح شده	R تعدیل شده	استاندارد اشتباه	دوربین واتسون
۱	.۵۳۷	.۲۸۸	.۲۶۴	۴/۰۵۱	۱/۷۵

جدول ۱۴- تحلیل واریانس (یا همان آزمون ANOVA(F)

مدل	جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
۱	۱۱۲۵۱/۶۵۲	۶	۱۸۷۵/۲۷۵	۱۱/۲۳۷	۰/۰۰۰
	۸۸۲۰/۶۰۴	۳۶۸	۱۲/۹۶۹		
	۲۰۰۷۲/۲۵۶	۳۷۴			
کل					

نتیجه گیری

این تحقیق به مطالعه آثار طرح ایجاد مناطق آزاد ارس بر شاخص‌های رفاهی جامعه محلی پرداخت که در دو منطقه مشابه- که در یکی این طرح انجام شده و در منطقه دیگر اجرا نشده به عنوان مناطق شاهد- انجام شد. فلسفه ایجاد این مناطق بر تجارت آزاد اسمیتی و ریکادویی استوار است. فرض بر این است که برقراری شرایط آزاد تجاری و حاکمیت قواعد بازار آزاد و عدم مداخله دولت و مقررات‌زدایی از کسب و کارها موجب ازدیاد ثروت و توسعه و انتفاع توده‌ها می‌شود. در سرزمین‌هایی که به راحتی نتوان اصول آزاد اقتصاد آزاد را پیاده کرد، می‌توان مناطق خاصی را برای این منظور اختصاص داد که در کوتاه‌مدت جامعه محلی و در بلندمدت، به دلیل قاعده رخنه به پایین، بقیه مناطق یک سرزمین از آن منتفع می‌شوند. از منظر تحلیلی و نظری دو نگاه کاملاً متفاوت نسبت به این گونه برنامه‌ها وجود دارد. نخست دیدگاهی کارکردی- ساختاری است که همان مفروضات نظریه پردازان تجارت آزاد را تأکید می‌کند که چنین برنامه‌های توسعه‌ای ابزاری برای تغییر جهان (مناطق) عقب‌افتاده و ایجاد دنیای متفاوت و پیشرفته است که در نهایت به محو فقر و نابرابری و افزایش سطح زندگی منجر خواهد شد. دیدگاه مقابل یا انتقادی به بی‌تأثیری اساسی چنین طرح‌ها و برنامه‌هایی تأکید می‌کند که در چارچوب یک نظام کلی تغییرات مقطعی یا جزئی نه تنها تغییر چندان توسعه‌ای ایجاد نمی‌کند بلکه بیشتر به وابستگی این مناطق به نظام سرمایه‌داری و افزایش استثمار و تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در آنها می‌انجامد. چون اساساً نه تنها به مناسبات

حاکم سرمایه‌داری بی‌اعتناست بلکه آن را توسعه می‌دهد. رویکرد سوم تحلیلی متفاوت با دو تحلیل مذکور ارائه می‌دهد. بدین مفهوم که اولاً باید بین ابداع و انحراف طرح‌های توسعه تفاوت قائل شویم. دوم، طرح‌های توسعه صرف‌نظر از موفق و ناموفق بودن آنها تغییراتی را ایجاد می‌کنند که ممکن است مثبت و منفی باشند. نتایج این مطالعه بیشتر رویکرد سوم را تأیید کرده است.

مقایسه منطقه هدف و شاهد نشان می‌دهد در هر دو منطقه در غالب شاخص‌های مورد مطالعه از اجرای طرح متأثر شدند که معناداری آماری رگرسیون چندمتغیره و آزمون F نیز آن را تأیید کرد، با این حال این تأثیرات خیلی تعیین‌کننده نبوده، ولی غالباً در منطقه هدف بیشتر بوده است. به لحاظ مؤلفه‌های رفاه عینی مانند دسترسی به امکان آموزشی، بهداشتی و درمانی، دسترسی به مسکن و ایجاد شغل در کل نظرات در منطقه مثبت‌تر از منطقه شاهد بوده است. همچنین از نظر شاخص‌های حمایت اجتماعی تفاوت چندانی در دو منطقه دیده نشد که نشان می‌دهد در عمل ایجاد منطقه آزاد تأثیرات خاصی در رفع یا کاهش فقر یا وابستگی به نهادهای حمایتی-رفاهی برای ساکنان در پی نداشته است. با این حال، مهاجرت معکوس از منظر ساکنان قابل توجه بوده است که عمدتاً صاحبان سرمایه و تجار و گاهی کارگران خدماتی و بخش ساختمان را سبب شده است که الزاماً ریشه بومی نداشته‌اند. بنابراین نمی‌توان گفت ایجاد منطقه آزاد به نفع جامعه بومی بوده است. به عبارت صحیح‌تر، شاید بتوان گفت افراد غیر بومی مهاجر بیش از افراد بومی در این فرایند منتفع شدند که توانسته‌اند از فرصت‌های ایجادشده و حمایت‌های دولتی برای سرمایه‌گذاری استفاده کنند. به علاوه، تأثیر فزاینده ایجاد منطقه آزاد بر ارزش زمین دیده می‌شود که غالب ساکنان رضایت نداشتند زیرا هزینه زندگی را برای اغلب خصوصاً نسل جدید که در پی تشکیل زندگی‌اند، بالا برده است. منتفعان واقعی افزایش ارزش زمین در منطقه هدف بیشتر متوجه اقشاری بوده که ملک داشتند و اکثریتی که از چنین دارایی‌هایی بی‌بهره بودند چندان از افزایش قیمت ملک بهره‌ای نبردند. مطالعه نشان داد از نظر (رفاه) ذهنی، غالب پاسخگویان ایجاد منطقه آزاد را پدیده‌ای مثبت می‌دانند. این موضوع حتی در منطقه شاهد هم صادق بود. آنها غالباً به پیامدهای آتی و بالقوه مثبت این طرح تأکید داشتند که احتمالاً خود را در درازمدت در توسعه منطقه نشان خواهد داد و اجتماع و اقتصاد بومی را از حالت نسبتاً ایزوله خارج خواهد کرد و پویایی لازم را برای پیشرفت منطقه خواهد داد.

معمولاً طرح‌های توسعه‌ای با وعده‌ها یا تبلیغات اولیه محلی همراه است. طرح آزادسازی منطقه ارس هم استثنا نبوده و نوعی خوش‌بینی اولیه را در میان ساکنان ایجاد کرده بود که آن به توسعه و رفاه منطقه و اهالی منجر خواهد شد. صرف‌نظر از این خوش‌بینی، آنچه در واقعیت رخ داده این است که طرح ایجاد مناطق آزاد نتوانسته کاملاً شاخص‌های رفاهی ساکنان محلی را دگرگون کند، این نتیجه شاید با نظریه «انحراف تجاری» واینر (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۵) بیشتر مطابقت کند. همین‌طور این ناتوانی با دیدگاه فرگوسن و فوکو (۱۹۹۰) در طرح‌های مداخله‌ای مطابقت می‌کند که معتقدند اصولاً «ناتوانی» به ویژه در پروژه‌های توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه یک «هنجار» است. با این وصف شاید بتوان به سؤال دیگری که این دو صاحب‌نظر مطرح می‌کنند پاسخ داد؛ اگر این نوع طرح‌ها در ارتقای سطح زندگی منطقه تأثیرات عمده‌ای نداشته، پس چه پیامد فرعی داشته است؟ باید گفت که نخست، منتفعان آنها لزوماً توده بومی نبودند به جز آنهایی که پیشینه اقتصادی-اجتماعی بهتری داشتند؛ دوم، هرچند عیدی چندانی نصیب ساکنان منطقه نشد، ولی ساکنان فرامنطقه‌ای که سرمایه و نیروی کار داشته، توانسته‌اند از فرصت‌های موجود استفاده کنند؛ سوم، دولت توانست با بسط دیوانسالاری قدرت خود را در منطقه بیشتر بسط داده و قدرت کنترلی خود را افزایش دهد؛ چهارم، به تبع بسط قدرت دولت از طریق نهادهای اداری مرتبط با پروژه منطقه آزاد، بیشتر کارکنان شهری استخدام شده از اجرای آن منتفع شوند در حالی که توده‌ها عملاً بی‌بهره بودند یا منتظر پیامدهای «رخنه به پایین» این پروژه بودند.

منابع

- افتخاری، رکن‌الدین و وجدانی طهرانی، هدیه و علی رازینی، ابراهیم (۱۳۸۷). *ارزیابی و اولویت‌بندی مناطق آزاد تجاری ایران با استفاده از روش MADM*. تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). *تاریخ عقاید اقتصادی*. تهران: نشر نی.
- جلالی، جلال‌الدین (۱۳۷۷). *مجموعه مقالات اولین همایش سیاست‌های بازرگانی و تجارت بین‌المللی*. تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- خاتمی، همایون (۱۳۸۲). *ارزیابی عملکرد مناطق آزاد در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و ایجاد اشتغال*. مجله اقتصادی، شماره ۲۵ و ۲۶.

- خوشچهره، محمد (۱۳۷۷). مجموعه مقالات اولین همایش سیاست‌های بازرگانی و تجارت بین‌المللی. تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- دهقانی، محمدرضا (۱۳۷۳). کلیاتی درباره مناطق آزاد تجاری و صنعتی. *اقتصاد تعاون*، شماره ۳۱.
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۵). *همگرایی اقتصادی: ترتیبات تجاری منطقه‌ای و بازارهای مشترک*. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (انتشارات سمت).
- رضایی، مهدی (۱۳۸۶). بررسی وضعیت مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران از منظر برخی از اهداف مورد انتظار از مناطق آزاد. *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۲۳.
- سند تدبیر و توسعه منطقه آزاد ارس ۱۳۹۹-۱۳۹۴
- شاددل، آمنه (۱۳۸۶). ویژگی‌ها و عملکرد مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران. *بررسی‌های بازرگانی*. شماره ۲۳.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۷۰). نقش مناطق آزاد تجاری-صنعتی در توسعه. *نامه علوم اجتماعی*، جلد دوم، شماره دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- فیتز پتریک، تونی، همایون پور، هرمز (۱۳۸۳). *نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست*. تهران، انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قالیباف، محمداقبر و کرمی، مهرداد (۱۳۹۰). توسعه منطقه‌ای در نواحی مرزی شمال (نمونه موردی منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس). *مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، دوره پانزدهم، شماره سوم.
- قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه، فصل پنجم بخش اقتصادی.
- الکاک، پیت و می، مارگارت و راولینگسون، کارن (۱۳۹۱). *کتاب مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی*. ترجمه: علی اکبر مزیانی، تهران: جلد اول، دانشگاه امام صادق.
- کامران، حسن (۱۳۸۱). *علل توسعه‌نیافتگی مناطق آزاد ایران*. تهران، پژوهشکده امیرکبیر دانشگاه تهران، ش ۵۳۹.
- گریفین، کیت، هاشمی، محمدحسین و راغفر، حسین (۱۳۸۸). *راهبردهای توسعه اقتصادی*. تهران، نشر نی.
- گل فریدون، حمید (۱۳۸۶). *اقتصاد بین‌الملل*. تهران، نشر افکار.
- گوگردچیان، احمد، طیبی، سید کمیل و امینی، فاطمه (۱۳۸۹). *اثر جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مستقیم بر صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد تجاری ایران (۱۳۸۷-۱۳۷۵)*. تهران: سیاست‌گذاری اقتصادی، سال دوم شماره سوم
- لطیفی، غلامرضا و قائم پور، محمدعلی (۱۳۹۵). تأثیر مناطق آزاد بر رفاه و توسعه اجتماعی مناطق شهری و روستایی (مطالعه موردی: منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان). *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۷.
- لهسایی زاد، عبدالعلی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران، انتشارات پیام نور.

- ماکارو، دیوید (۱۳۷۸). رفاه اجتماعی (عملکرد و ساختار). ترجمه: همتی، فریده و جغتایی محمدتقی. تهران: علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). گزارش‌های آماری. تهران: مرکز آمار ایران.
- وزارت امور اقتصاد و دارایی معاونت امور اقتصادی (۱۳۹۵). مقایسه عملکرد مناطق آزاد تجاری موفق دنیا و ایران و بررسی میزان دستیابی به اهداف ایجاد این مناطق در ایران. دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی.
- هاروی، جک (۱۳۸۹). اقتصاد جدید. ترجمه: محمد باقر و هادی نوبخت، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- ی. سو، آلوین (۱۹۵۳). تغییر اجتماعی و توسعه، مروری بر نظریه‌های نوسازی، وابستگی و نظام جهانی. ترجمه: محمود حبیبی مظاهری. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Alavi, H. (1976). *Rural Elite and agricultural Development in Bangladesh*. in R. D. Stevens, H. Alavi and p. j. bertocci et al., rural development in Bangladesh and Pakistan, Honolulu: the university of Hawaii press.
- Amin, s. (1974). *Accumulation on a world scale*. Sussex: Harvester.
- Baily, F. G (1969). *Stratagems and spoils*. Toronto: Coppclark.
- Brown, Drusilla K. & Kiyota, Kozo & Stern, Robert M., (2005). Computational Analysis of the free trade Area of the Americas (FTAA), *The North American Journal of Economics and Finance* at ScienceDirect.com, Elsevier's leading platform of peer-reviewed scholarly literature. ... Volume 16, Issue 2. Pages 153-270.
- De Janvry, A. (1981). *The Agrarian Question and Reformism in Latin America*. Baltimore, and MM: The Johns Hopkins University press.
- Elsevier- science Direct (2014). A panel data analysis of trade creation and trade diversion effect: the case of ASEAN-China free trade Area.
- Ferguson, j. (1990). *The anti-politics Machine: Development, Depoliticisation, and Bureaucratic Power in Lesotho*. Cambridge: Cambridge university press.
- Free zones (2017). *IR Free Zoons*. available at, <http://irantour.org/Iran/Free-Trade-Zones.html> www.arasfz.ir.
- Friedman, j. (1981). *Urban bias in Regional Development policy*. in R. P. Misra (ed), *Humanizing Development: Essays on people, Space and Development in Honour of Masahiko Honji*, Singapore: Maruzen Asia.
- Hartmann, B. And Boyce, J. (1993). *A Quite Violence: view Frame a Bangladesh village*. London: Zed press.
- Hechter, M. (1975). *Internal colonialism: the celtic fring in British National Development*. 1536-1966, Berkeley, CA: University of California press.
- Heyer, J., Roberts, D. and Williams, G. (1981). *Rural Development in Tropical Africa*. London: Macmillan.
- Huntington, S. (1976). *The change to change: Modernisation, Development and politics*. in C.E. Black (ed), *Comparative Modernisation, A Reader*, New YORK: Free press.
- Ibfon (2017). *Stat Analysis Report*, available at, <https://www.zonwhois.net/www/ibfon.org.html>.
- Nasim Aras orc (2011-1041). *Nasim Aras Oil Refining Company*. available at: <http://nasimaras-orc.com>
- Perroux, f. (1993). *A New Concept of development: Basic Fenets*. London CROOM Helm and Paris: UNESCO.

-
- Sarker, A. E. (1990). *State Intervention in rural Development*. Phdthesis, University of Liverpool.
- Wood, G. D. (1984). State Intervention and Agrarian class formation: Dimensions of the Access problem in the Kosi Development Region of Nebihar. India, *public Administration and Development*, vol. 4, no 4.